

گذری بر انقلاب‌های رنگی و تحولات جهان عرب

بررسی تطبیقی انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز با
تحولات رخ داده در کشورهای عربی

نویسنده

رحمة‌اله نقاش صورتگر

نشر عالی تبار

۱۳۹۲

سرشناسه: نقاش صورتگر، رحمت‌اله، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: گذری بر انقلاب‌های رنگی و تحولات جهان عرب: بررسی تطبیقی انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز با تحولات رخ داده در کشورهای عربی / نویسنده رحمت‌اله نقاش صورتگر.

مشخصات نشر: تهران: نشر عالی تبار، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۰۶-۰۵

یادداشت کتابخانه: ص. ۱۸۱ - ۱۸۶.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: انقلاب رنگی -- آسیای مرکزی

موضوع: انقلاب رنگی -- مطالعات تطبیقی

موضوع: بهار عربی، ۲۰۱۰ م. -

موضوع: انقلاب رنگی -- قفقاز

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ن JC۴۹۱/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۳۵۲۶۲

رده بندی دیویی: ۳۲۱.۰۹۴



گذری بر انقلاب‌های رنگی و تحولات جهان عرب

بررسی تطبیقی انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز

با تحولات رخ داده در کشورهای عربی

نویسنده: رحمت‌اله نقاش صورتگر

۱۸۶ صفحه

چاپ اول: تهران، زمستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۰۶-۰۵

ناشر: عالی تبار - خیابان آذربایجان بین کارون و قصرالدشت

کوچه شهره بن بست لاله‌زاری پلاک ۵ تلفن ۶۶۹۷۷۶۱۹

مرکز بخش: دارالفکر ۶۶۹۵۴۷۸۹ - ۶۶۹۵۸۹۷۱ - ۰۹۱۲۵۴۶۸۱۶۲

۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
فصل اول: انقلاب	۱۳
مقدمه	۱۵
تعریف لغوی انقلاب	۱۶
نگاهی به مفهوم کاربردی انقلاب	۱۸
انواع انقلاب	۲۱
متغیرهای مطرح در تعاریف انقلاب	۲۲
علل و ویژگی‌های انقلاب	۲۴
تفاوت انقلاب با دیگر پدیده‌ها	۲۷
سیری در نظریه‌های انقلاب	۲۹
نظریه‌های نخبه‌گرایانه‌ی حکمای یونان باستان	۲۹
نظریه‌ی مارکسیستی	۳۱
نظریات مکتب اصالت کارکرد	۳۳
نظریه‌ی جامعه‌ی توده‌وار و کثرت‌گرا	۳۴
نظریه‌ی کاریزما و جنبش اجتماعی	۳۴
چالمرز جانسون	۳۵
نظریه‌ی همبستگی لورکهایم	۳۵
نظریه‌ی توسعه‌ی نامتوازن ساموئل هانتینگتون	۳۶
نظریه‌ی جیمز دیویس (منحنی جی)	۳۶
نظریه‌ی تدا اسکاچپول	۳۷
نظریات فردگرایانه و روان‌شناسی	۳۸
تحولات عربی از دریچه‌ی نظریات انقلاب‌ها	۳۹

۴۰	قابلیت تعمیم مفهوم انقلاب به تحولات خاورمیانه عربی و شمال آفریقا
۴۶	بررسی مفهومی حرکت دوری انقلاب‌ها در چارچوب انقلاب‌های عربی
۴۷	دیدگاه‌های مشهور در باب ریشه‌های تحولات خاورمیانه
۵۰	مبانی نظری انقلاب‌های رنگی
۵۱	نظریه‌ی موج سوم و به‌سوی تمدن جدید
۵۲	تئوری‌های جهانی‌سازی
۵۳	نظریات ساموئل هانتینگتون
۵۴	نظریات جین شارپ
۵۶	نظریه‌ی مقاومت غیر خشونت‌آمیز
۵۸	قدرت نرم اثر جوزف نای
۵۹	کتاب قدرت نرم جوزف نای
۶۱	تفاوت‌های جنگ نرم و جنگ سخت از دیدگاه جوزف نای
۶۲	نتیجه‌گیری فصل اول

فصل دوم: چشم‌اندازی بر انقلاب‌های رنگی آسیای مرکزی

۶۵	مقدمه
۶۷	سیری در تاریخچه‌ی انقلاب‌های رنگی
۶۸	سایر انقلاب‌های رنگی
۸۸	مفهوم و ماهیت انقلاب رنگی
۹۰	تفاوت انقلاب‌های رنگی با انقلاب‌های کلاسیک
۹۲	تفاوت انقلاب رنگی با انقلاب مخملی
۹۵	ویژگی‌های انقلاب‌های رنگی
۹۶	شرایط و زمینه‌های انقلاب رنگی
۹۷	ارکان انقلاب رنگی
۹۸	مراحل انقلاب رنگی
۱۰۲	نتیجه‌گیری فصل دوم

فصل سوم: واکاوی تحولات و رویدادهای اخیر کشورهای عربی

۱۱۵	مقدمه
۱۱۷	تحلیل موردی تحولات رخ داده در کشورهای عربی
۱۱۸	آثار و نتایج تحولات دنیای عرب
۱۳۴	نتیجه‌گیری فصل سوم

فصل چهارم: مقایسه‌ی انقلاب‌های رنگی آسیای میانه و قفقاز با تحولات

اخیر کشورهای عربی ۱۳۷

مقدمه ۱۳۹

بسترها و عوامل ایجاد انقلاب‌های رنگی در آسیای میانه و قفقاز ۱۴۰

بسترها و عوامل ایجاد خیزش‌های مردمی جهان عرب ۱۴۳

بررسی دخالت عوامل خارجی در انقلاب‌های رنگی ۱۵۰

بررسی نقش عوامل خارجی در تحولات عربی ۱۵۴

ویژگی‌های بارز انقلاب‌های رنگی ۱۵۹

ویژگی‌های بارز تحولات کشورهای عربی ۱۶۰

ماهیت و اهداف انقلاب‌های رنگی در آسیای میانه و قفقاز ۱۶۳

ماهیت و اهداف تحولات عربی ۱۶۴

تأثیرات تحولات کشورهای عربی بر آسیای مرکزی و قفقاز ۱۶۵

نتیجه‌گیری فصل چهارم ۱۶۹

نتیجه‌گیری ۱۷۱

فهرست منابع ۱۸۱

الف. کتب فارسی ۱۸۱

ب. مقالات فارسی ۱۸۳

ج. سایت‌ها و منابع خارجی ۱۸۶

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که طی چندسال گذشته خاورمیانه و جهان را متأثر ساخته، به راه افتادن موج خیزش در کشورهای عربی منطقه و شمال آفریقا است که چرخه‌ی آن از کشور تونس زده شد. جایی که جوانی به نام «بوعزیزی» با آتش زدن خود، طوفانی به پا کرد که تأثیرات آن کشورهای عربی را یکی پس از دیگری در نوردید. تحولات نوین خاورمیانه در کشورهای جهان عرب به انقلاب‌ها، خیزش‌ها و اعتراضات در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ گفته می‌شود. این اعتراضات بدان سبب که در کشورهای عرب در حال پیگیری است با عنوان بهار عربی نیز یاد می‌شود.

مجموعه‌ای بی‌سابقه و در حال جریان از قیام‌ها، راهپیمایی‌ها و اعتراضات در کشورهای عمدتاً عرب‌نشین شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا شامل تونس، مصر، لیبی، سوریه، یمن، بحرین و اردن و در سطحی کوچک‌تر عربستان سعودی، الجزایر، عمان، کویت، مراکش، موریتانی و سودان است. این تحولات که از آن با عنوان‌هایی مختلفی چون "موج چهارم دموکراتیزاسیون"، "دومینوی دموکراتیک"، "انقلاب بی‌سر" و "ناجنبش" نیز یاد می‌شود، در مناطق جهان بازتاب‌های مختلفی داشته است. اهمیت رویدادهای اخیر خاورمیانه عربی در آن است که در این منطقه، تاکنون، در برابر امواج دموکراسی‌خواهی مقاومت می‌شد و نخبگان حاکم با اتخاذ سیاست‌هایی اغلب مشابه به رویارویی مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم می‌رهتند. برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی، در عمل، فقر و شکاف طبقاتی را

تشدید کرد، و سرکوب و فشار روزافزون سیاسی نیز سبب به حاشیه‌رفتن تمامی نیروهای منتقد و مستقل شده بود. در این روند حتی اثرگذاری فرماندهان ارتش کاهش یافته، در مقابل نیروهای امنیتی بر امور و مناصب مسلط شدند. از نظر عموم، عدم تغییر حاکمانی چون حسنی مبارک، زین‌العابدین بن‌علی، علی عبدالله صالح و معمر قذافی و سپس زمینه‌سازی برخی از آنان برای شکل‌دادن "جمهوری مورونی" به معنای آن بود که این وضعیت همچنان تداوم می‌یابد و امیدی برای بهبود نمی‌ماند.

اگرچه ریشه‌ها و ابعاد این تحول مهم و دنباله‌دار همچنان محل بحث کارشناسان و تحلیلگران مسائل منطقه است، تقریباً تردیدی نیست که این خیزش با گذر از نخبگان سنتی و نیروهای سیاسی شناخته‌شده همراه بود. بیه‌عبارت دیگر، نخبگان حاکم بر کشورهای عربی، طی سالهای طولانی حکومت، توانسته بودند نیروهای سیاسی منتقد و مخالف را شناسایی و به شیوه‌های گوناگون مهار کنند. آنچه، در این میان، سبب غافلگیری نخبگان حاکم بر کشورهای عربی شد، فراگیری و عمق‌یافتن یک‌باره اعتراضی بود که مخالفان شناخته‌شده نقشی در ایجاد و سازماندهی آن نداشتند. در نتیجه، نخبگان نه تنها به سرعت با وضعیت جدیدی مواجه شدند که از آن برآوردی نداشتند از چهره‌های مؤثر و فعال آن هم شناختی نداشتند. گسترش شبکه‌های اجتماعی جدید در چند سال گذشته، فضای جدیدی را پدید آورده بود که دستگاههای امنیتی عربی خود را برای مقابله با آن آماده نکرده بودند، از جمله آنکه در این شرایط نیاز چندانی به رهبری نیروهای سیاسی معروف و کهنه‌کار نیست. سقوط دو رژیم حاکم عربی مهم در شمال آفریقا یعنی مصر و لیبی که سال‌ها سکان اداره این کشورها را بر عهده داشتند به نوعی نقشه سیاسی منطقه را به هم ریخت و به شدت شروع به تسری به کشورهای دیگر عربی کرد. اکثر کشورهای عرب خاورمیانه با توجه به تکرر در ایدئولوژی سیاسی، در نظام و ساختار سیاسی در یک ویژگی شبیه هم می‌باشند و آن نیز اقتدارگرایی است.

چندین سال پیش از شروع تحولات نوین خاورمیانه در کشورهای عربی تعاریف و تعبیری جدید، تحت تأثیر تحولات سیاسی و تغییرات در ساختار روابط بین‌الملل به‌ویژه پس از دوران جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌وقوع پیوسته

و وارد ادبیات سیاسی شد که تحت عنوان انقلاب‌های رنگی نامگذاری گردید. انقلاب رنگی نوعی دگرگونی بدون خونریزی و یا براندازی به روش بدون خشونت (براندازی نرم) است. نکته‌ای که توجه مضاعف به این موضوع را فراهم ساخته است، مربوط به تلاشی است که برای تبدیل آن به الگوی تغییر ساختار سیاسی در کشورهای در حال گذار، مخالف و معارض توسط غرب به‌ویژه آمریکا صورت می‌گیرد. در نظام بین‌الملل کشورهایی حضور دارند که پس از چند دهه تجربه تحولات سیاسی خاص، در حال تغییر و ورود به شرایط سیاسی جدید به سر می‌برند. تحقق انقلاب‌های رنگی در این کشورها می‌تواند تحول سیاسی در این جوامع را در مسیری خاص که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های لیبرال و نظام‌های دموکراسی غربی است هدایت کند. موضوع انقلاب‌های رنگی از اواسط دهه ۱۹۹۰ با تغییر در ساختار نظام بین‌الملل و فروپاشی ساختار دوقطبی مورد توجه قرار گرفت و دستور کار جدیدی را در روابط بین‌المللی ایجاد کرد که ماهیت فرهنگی و اجتماعی داشت. چنین فرایندی بر اساس ابزارها و فرایندهای رسانه‌ای - فرهنگی انجام گرفت. در شرایطی که فضای اجتماعی بحرانی می‌شود یا نشانه‌هایی از توزیع مجدد قدرت در دستور کار قرار می‌گیرد رسانه‌های بین‌المللی مبادرت به انتشار ادبیات، مفاهیم و نمادهای تهییجی کرده، زمینه‌های تغییر در فضای سیاسی کشورهای هدف را فراهم می‌آورند. بنابراین، انتخابات را می‌توان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نقاط عطف انقلاب‌های رنگی در محیط بین‌الملل دانست که در تمامی آن‌ها رقابت نخبگان سیاسی برای چگونگی اداره‌ی نظام سیاسی و توزیع قدرت وجود داشته است. بنابر این، انقلاب رنگی رابطه‌ی بین مداخله بین‌المللی قدرتهای بزرگ با تحولات سیاسی کشورهای دستخوش دگرگونی سیاسی محسوب می‌شود که مبتنی بر ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای، تحرک اجتماعی و ترغیب گروههای سیاسی به کنش فراقانونی است. انقلاب‌های رنگی و مخملی در جوامع پساکمونستی در اروپای مرکزی، شرقی و آسیای مرکزی اتفاق افتاد. نخستین بار "واسلاو هاول" رئیس‌جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان این کشور بود این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و واژه‌ای که بخش عمده‌ای از تحولات سیاسی سال‌های اخیر در حوزه‌ی شوروی سابق و از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز را

تحت پوشش خود قرار داد. این تحولات با وقوع انقلاب مخملی در دوره‌ی ۶ هفته‌ای ۱۷ نوامبر تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ در چکسلواکی آغاز شد و با وقوع تحولاتی مشابه به شکل زنجیره‌ای در صربستان (دو مرحله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و قرقیزستان (۲۰۰۵) ادامه یافت. مسأله‌ی اصلی این کتاب بررسی تشابهات و افتراقات تحولات مذکور می‌باشد، لذا در این اثر تلاش شده است تا بررسی تطبیقی انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز با تحولات اخیر در کشورهای عربی به‌صورتی جامع و کامل مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

رحمت‌اله نقاش صورتگر

پاییز ۱۳۹۲